دست زن دسیسه‌گر و همدستش رو شد

29 آبان 1404

زن معتاد که متهم است با همدستی دوست شوهرش نقشه قتل او را اجرا کرده است در دادگاه کیفری، نه خود و نه همدستش زیر بار ارتکاب قتل نرفتند.

بهمن سال 1400 جسد مردی در اتاقک نگهبانی یکی از بوستان‌های پاکدشت پیدا و موضوع به پلیس اعلام شد. بررسی‌ها نشان داد وی مردی 40 ساله بوده که با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

در حالی که تحقیقات محلی از توقف یک نیسان آبی در نزدیکی پارک و ورود و خروج زن و مردی جوان به اتاقک خبر می‌داد مأموران به بازجویی از همسر مقتول پرداختند.

زن جوان گفت: «همسرم صبح برای کار از خانه خارج شد اما دیگر خبری از او نشد و نمی‌دانم چه کسی او را به قتل رسانده است.» اما در ادامه مأموران به خاطر تناقض‌گویی‌های زن جوان وی را تحت مراقبت نامحسوس قرار دادند و مشخص شد وی آخرین تماس تلفنی‌اش با همسرش بوده و در زمان وقوع قتل نیز تلفن همراهش در محدوده پارک آنتن‌دهی داشته است. همچنین مأموران دریافتند که زن جوان با دوست همسرش ارتباط پنهانی داشته است.

به این ترتیب وی دستگیر شد و پس از بررسی تلفن همراهش تعدادی فیلم و عکس از روابط پنهانی او با خسرو کشف شد.

زن جوان در ادامه به قتل همسرش با همدستی خسرو اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: «روز حادثه با شوهرم تماس گرفتم و گفتم می‌خواهم از یک فروشنده مواد مخدر در پارک مواد بخرم و داخل کیوسک منتظر مواد فروش هستم و خواستم او هم بیاید. وقتی وارد کیوسک شد با آجر ضربه محکمی به سرش زدم و بعد هم خسرو با چاقو به جانش افتاد و چند ضربه به او زد و بعد هم از آنجا رفتیم.»
پس از اعتراف متهم، خسرو نیز دستگیر شد و با تأیید اظهارات متهم گفت: «من و مقتول دوستان صمیمی بودیم و به همین خاطر به خانه آنها رفت‌وآمد داشتم اما به همسرش علاقه‌مند شدم. وقتی به من گفت شوهرش او را اذیت می‌کند و باید او را از سر راهمان برداریم نقشه قتلش را کشیدیم.»
با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه 10 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه فرزندان و مادر مقتول درخواست قصاص کردند.

یکی از فرزندان مقتول گفت: «ما از مدت‌ها قبل متوجه رابطه پنهانی مادرمان با خسرو شده بودیم اما فکر نمی‌کردیم که بخواهد پدرمان را به قتل برساند. ما به هیچ عنوان گذشت نمی‌کنیم.» پس از آن **همسر مقتول به جایگاه رفت و با رد اتهامش به قضات گفت:** «من هیچ نقشی در قتل همسرم نداشتم. روز حادثه در خانه خسرو بودم گفتم می‌خواهم برای پسرم کتونی بخرم که من را در نزدیکی پارک پیاده کرد

می‌خواستم یک مقدار مواد تهیه کنم. اصلاً نمی‌دانم همسرم آن روز و ساعت در پارک چکار می‌کرده که با ساعت حضور من در پارک یکی شده بود.»

قاضی سؤال کرد: «پس چطور شما در دادسرا به صراحت به قتل با همدستی خسرو اعتراف کرده بودی؟»

متهم گفت: «تحت فشار ناچار به اعتراف شدم.»

پس از آن خسرو به جایگاه رفت و او نیز با رد اتهامش گفت: «من هم تحت فشار به قتل اعتراف کرده بودم وگرنه اصلاً نقشی در این ماجرا نداشتم.»

با پایان اظهارات متهمان قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.